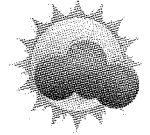


۱۲۲
۱۵۲
۱۲۷۳
۱۳۶۴



سازمان آگهی: ad@zanjannews.com پست الکترونیک: news@zanjannews.com وب سایت: www.zanjannews.com

اذان ظهر: ۱۲:۰۴ • غروب آفتاب: ۱۷:۵۰ • اذان مغرب: ۱۸:۰۹ • نیمه شب: ۲۳:۲۲ • اذان صبح فردا: ۴:۵۳ • طلوع آفتاب: ۶:۱۸



۲۳ ☐
۱۰ ☐

بمنظور رعایت موارد قانونی، صحت و سقم مفاد نوشته‌ها و آثار چاپ شده با ذکر نام صاحب اثر و همچنین محتوای متن آگهی‌های رسیده، به عهده صاحبان آن است و روزنامه مردم‌نو هیچ مسئولیتی در این زمینه نداشته و لزوما دیدگاه گردانندگان آن نمی‌باشد.

دفتر زنجان: خیابان شهیدا، بالاتر از خیابان زینبیه، پلاک ۷۳
تلفن های تماس: ۵ - ۳۳۳۳۸۸۳۳ و ۳ - ۳۳۳۳۱۱۴۲
نمابر: ۳۳۳۳۵۷۵۸ خداینده: ۳۴۲۲۵۲۷۶ - ۳۴۲۲۸۶۳۱

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی استان زنجان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رضا سواری
سردبیر: علیرضا جماعت‌لو
گستره توزیع: استان‌های زنجان و تهران

مردم‌نو

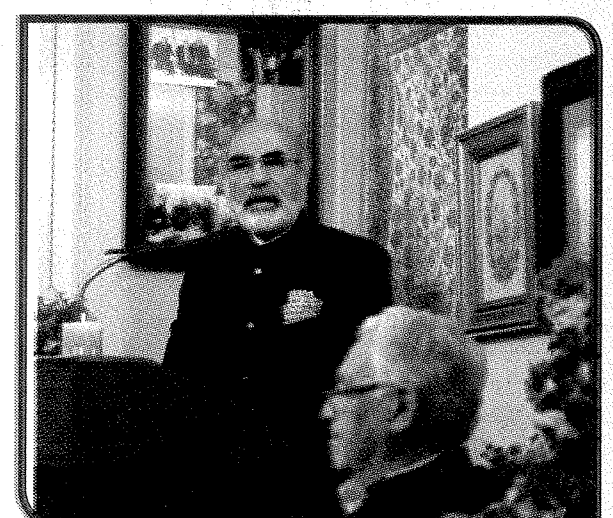
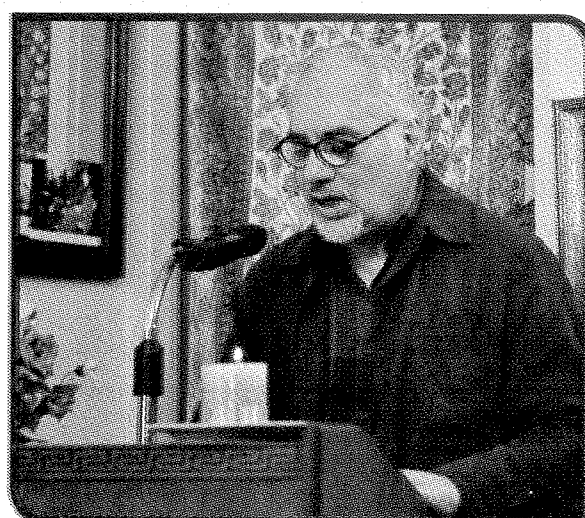
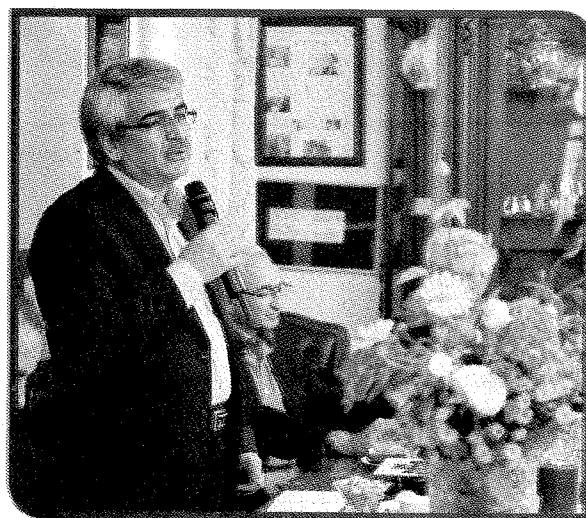
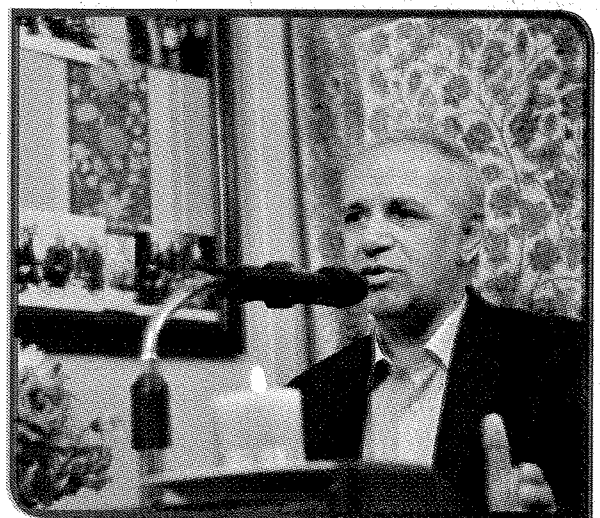
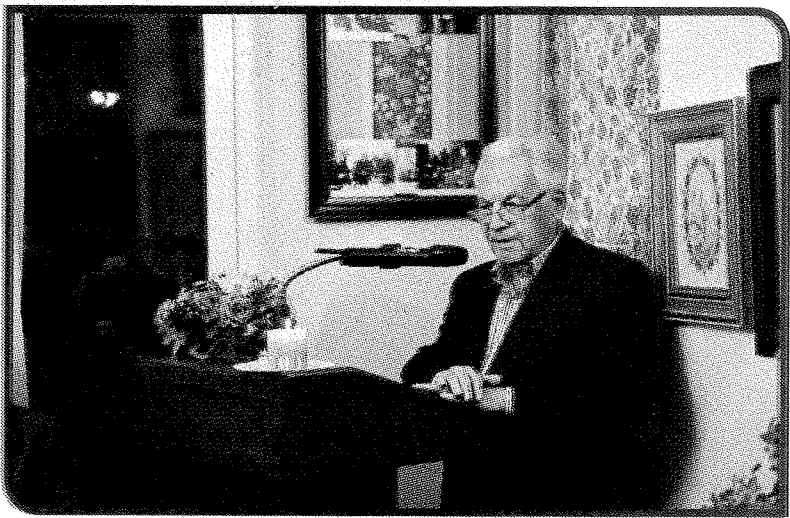
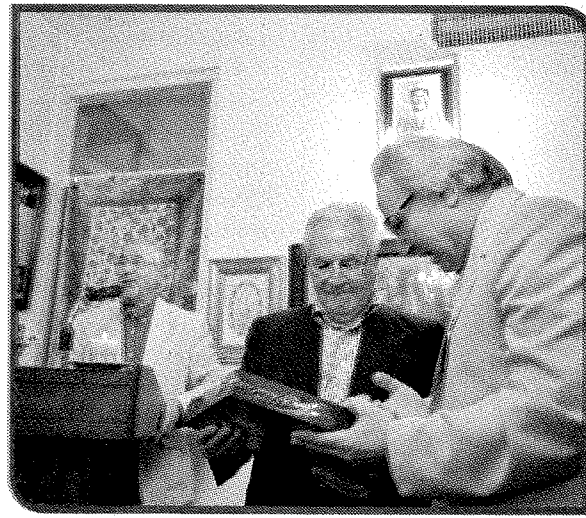
روزنامه

پنج‌شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۴ • سال پانزدهم • شماره ۳۲۰۵

امام علی (ع): به یکدیگر هدیه بدهید تا محبت را در میان خود بیفزایید. غرالحکم

گزارشی از مراسم نکوداشت استاد ثبوتی

دکتر ثبوتی: کارهایی که کرده‌ام در حد امکان هر آدمی است



فریبا سغادت‌نی؛ *در مراسمی که برای نکوداشت یکی از مفاخر علمی زنجان و کشور، استاد بزرگوار پروفسور ثبوتی در یک محفل خصوصی برگزار شده بنیود توفیق حضور داشتیم. با اینکه تا کنون مطلبی در مطبوعات و رسانه‌ها به چاپ نرسیده‌ام، ولی آنچه در آنجا گذشت انقدر صمیمانه و ارزشمند بود که در یغیم آمد همشهریان عزیز در جریان آن قسرا نگیرند. ازاین رو بخششی از آنچه اتفاق افتاد را در حد بضاعت خودم تحریر کردم. از مقام عالی‌انستان آقای مهندس جمشید انصاری بسیار سپاسگزارم که بار دیگر نشان دادند که دوستدار اهالی فرهنگ و علم هستند، همچنین از پروفسور ثبوتی تشکر می‌کنم که بخش مربوط به فرمایشات خودشان را بزرگوارانه تصحیح کردند.*

بعد از ظهر روز جمعه بیست‌وهفتم شهریورماه یک محفل خصوصی و صمیمی در تهران شاهد یک رویداد علمی – فرهنگی بود که مرتبط با زنجان بود. یک بازرگان دوستدار اهل فرهنگ و علم اهل استان مرکزی که تجلیل و تکریم از بزرگان علم و ادب و فرهنگ و هنر این مرز و بوم را افتخاری برای خود می‌داند و به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی به آن می‌پردازد تجلیل از بیش از ۶۰ سال تلاش و دستاوردهای علمی پروفسور ثبوتی را وجهه همت خود قرار داده بود و عده‌ای از نخبگان علمی و فرهنگی کشور را دور هم گرد آورده بود تا از دکتر ثبوتی بگویند و او را بعد از ظهر روز جمعه بیست و هفتم شهریور ماه در یک محفل خصوصی و صمیمی در تهران کنند.

حاضران در جلسه تنی چند از شاگردان پروفسور و همکاران او بودند که در کنار تعدادی از هنرمندان، چهره‌های ماندگار، ادیبان و دانشمندان بنام این مرز و بوم در منزل مسکونی میزبان آقای حسینجانی) گردهم آمده بودند تا به سبک و سیاقی دیگر تلاش‌ها و دستاوردهای این دانشمند برجسته و نام آور دیار زندیگان را ارج نهند، برای همین در این مراسم از مقامات رسمی و دولتی خبری نبود و به‌جز جمشید انصاری استاتنادر زنجان و دکتر توفیقی وزیر اسبق علوم، تحقیقات و فناوری که به‌عنوان میهمانان ویژه در مراسم حضور داشتند بقیه از غیرصاحب منصبان بودند. امیرحسسن سعیدی که ذوقی در هنر و ادبیات و سوابق در اجرای برنامه‌های اینجینی را در کارنامه خود دارد و از کسانی است که علی رغم سال‌ها اقامت در آلمان هیچگاه ارتباط خود را با شهر و زادگاهش قطع نکرده است، مجری مراسم بود و به ترتیب از حاضران می‌خواست که در مورد دکتر ثبوتی سخن بگویند و ثبوتی نیز با کمال وقار و متانت به همه این حرف‌ها که همگی در تکریم و تبیین جایگاه و منزلت علمی و اجتماعی او بود با آرامشی وصف نشدنی گوش می‌داد.

دکتر سعدا... نصیری قیداری دبیر کمیسیون ملی یونسکو که از سرآمدان شاگردان دکترثبوتی است به بخشی از ویژگی‌های برجسته او اشاره داشت و در متنی طولانی و سنگین که با دقت فراهم آورده بود حق مطلب را در خصوص استاد بزرگ خویش ادا کرد. وی در بخشی از سخنان خود گفت:

«استاد ثبوتی به‌عنوان یک معلم گرانقدر در مسیر زیبای علم، با مدیریت منحصر به‌فرد و علمی، خیرخواهی، متانت و دلسوزی توأم با جدیت، تلاش مستمر و استمرار در علم، صداقت، بی‌ریا بودن، نظم در کارها، متواضع بودن و کنار گذاشتن شهرت، بی‌سر و صدا و بدون جنجال کار کردن، سبک خاص و دلنشین در نوشتن و بیان کردن، استغنائی طبع و همت

بلند، انجام کار گروهی، جسارت اقدام به موقع، تحمل مرارت‌ها و سختی‌ها، خستگی‌ناپذیری، کار کیفی و کیفیت بالای کار، افتخارات بزرگی را نصیب کشور کرده است. از جمله خدمات ایشان می‌توان به تأسیس رصد خانه شیراز، راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای فیزیک در دانشگاه شیراز، بنیانگذاری دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم‌پایه زنجان، تاسیس انجمن فیزیک ایران و تاسیس انجمن نجوم ایران اشاره کرد، ایشان همچنین سخنرانی‌های بسیاری در زمینه‌های اخلاق علم و فناوری و ترویج تفکر علمی در کشور داشته‌اند و موفق به دریافت عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی، مدال پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جایزه خوارزمی، جایزه علامه طباطبائی، اخذ نشان درجه یک دانش از فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی و مدال ویژه آکادمی علوم جهان سوم برای فعالیت مستمر شده‌اند.»

در ادامه دکتر خواجه‌پور، یار، همکار و همراه دکتر ثبوتی به بیان خاطرات و تجربه خود از ۴۵ سال همراهی با او پرداخت و ویژگی‌های او را این چنین برشمرد:

«دکتر ثبوتی در طی این سال‌ها به گستره وسیع‌تری از علم در حوزه‌های فیزیک و نجوم دست پیدا کرده‌اند و تاکنون دانشجویان بسیاری را در این حوزه‌ها پروراند‌اند. ایشان شیوه خاصی در تحقیق و پژوهش دارند که محققان و دانشجویان ما با استفاده از این شیوه می‌توانند بعد از مدتی که از عمر کارهای تحقیقی اشان می‌گذرد به حوزه وسیعی از علوم تسلط پیدا کنند و نگاه گسترده‌ای بی به آن چه که انجام داده‌اند داشته باشند و نه یک نگاه باریک و نک خطی. آن چه که دکتر ثبوتی انجام دادند، کاری است که انجام آن برای هر انسانی میسر است چون امکان‌پذیر است امیدوارم دیگران و شاگردانشان هم در این راه قدم بگذارند. البته در این میسر بودن یا نبودن به توانایی‌های متفاوت افراد هم بستگی دارد. مطالب من در مورد دکتر ثبوتی در مجموعه‌ای به نام «ثبوتی نامه» چاپ شده است که زندگی ایشان در سال‌های گذشته را به صورت قصه وار بیان می‌کند.» در ادامه، جمشید انصاری استاندار زنجان با دعوت امیر حسن سعیدی پشت تریبون قرار گرفت و با این مقدمه که قراری بر صحبت او در این جمع نبوده است سخن خود را با این شعر از سعدی آغاز کرد:

ناچار هر که صاحب روی نکو بود/ هر جا که بگذرد همه چشمی در او بود

وی در ادامه با تاکید بر اینکه از جایگاه خود به‌عنوان یک مدیر و فعال اجتماعی سخن می‌گوید از تاثیر دکتر ثبوتی در بازیابی باور و اعتماد به نفس بخش‌هایی از جامعه و مردم زنجان سخن گفت. او از کار کرد دکتر ثبوتی به‌عنوان یک مرجعیت بی‌بدیل برای بخش قابل توجهی از مردم، به‌ویژه نخبگان جامعه یاد کرد و اینکه شکل گیری تعداد قابل توجهی از نهادهای مدنی و اجتماعی در زنجان حاصل این خودباوری و اعتماد به نفسی است که با همت ثبوتی در مردم زنجان بازیابی شده است. انصاری افزود: این مهم که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد در کنار تلاش علمی و پژوهشی او و کار سترگی که در تاسیس دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه انجام داده است میراثی ارزشمند برای او به‌عنوان یک اصلاحگر اجتماعی قلمداد می‌شود که ارزش آن کمتر از دستاوردهای پروفسور ثبوتی در عرصه‌های علمی و پژوهشی نیست.

ایرج حسایی فرزند دکتر حسایی سخنران بعدی جلسه بود که با بیان برخی از نکات در ارتباط اسناد و شاگردی بین ثبوتی و حسایی، این نکته را از قول دکتر حسایی یادآوری کرد که اگر حاصل زحمات من در گسترش علم فیزیک همین دو برادر (دکتر یوسف ثبوتی و برادر مرحومشان دکتر محمد ثبوتی) باشند کافی است.

در ادامه، دکتر جعفر توفیقی که برای همه فعالان عرصه علم و تحقیق این کشور چهره‌ای آشنا است و همه دلسوزان توسعه علمی کشور نسبت به او حالتی نوستالوزیک دارند به بیان آشنایی و همکاری خود با استاد ثبوتی پرداخت و گفت:

«دکتر ثبوتی بیش از ۵۰ سال در جامعه علمی کشور و سایر جوامع منتسب خدمات بودند. ایشان نه تنها بنیانگذار دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه بودند بلکه بنیانگذار روش جدید مدیریتی هم در آن دانشگاه بودند و در حال حاضر یک مدیریت کاملاً علمی و کارشناسی در آنجا حاکم است به همین دلیل این دانشگاه در مدت زمان بسیار کوتاهی در عرصه ملی و بین‌المللی به یک مرکز شهره تبدیل شد و دانش‌آموختگان و اعضای هیئت‌علمی آن جزو برگزیدگان علمی در عرصه ملی و بین‌المللی هستند. مقالات علمی که از این مرکز صادر شده و اعضای هیئت‌علمی آنجا آن‌را منتشر کردند در دنیا مورد ارجاح است. قدرت نواندیشی و مدیریت علمی و کارشناسی دو نمونه از ویژگی‌های دکتر ثبوتی هستند، استاد ثبوتی هر جا که باشند توان دارند که در عرصه مدیریتی و علمی ایده‌های جدیدی را مطرح کنند و ساختارهای فکری سنتی را بشکنند و حرف جدیدی بزنند و نظر جدیدی ارائه بدهند و هر چقدر که تجربیاتشان بیشتر می‌شود، نواندیش تر شده و تفکرات متعالی و ایده‌های جدیدی عرضه می‌کنند.»

دیگرانی هم سخن گفتند، خانم دکتر جمالی، دکتر باهر، دکتر سعادت، دکتر فرشاد و کسانی نیز شعر خواندند، به سبک و سیاق انجمن‌های ادبی قدیم که در این‌جا مجال بیان همه آن‌ها نیست و امیدوارم با همت بانی مجلس و بعضی از دستداران دکتر ثبوتی در فرصتی مناسب زمینه جمع‌آوری و انتشار آن‌ها فراهم شود.

در آخر، دکتر ثبوتی با حاضران سخن گفت. پیر سپید موی زنجان سخن خود را با این جمله آغاز کرد: «من یک معلم و کار معلم غلط گرفتن است» و سپس شروع کرد به اصلاح بخشی از گفته‌ها در مورد خود که یا درست نبودند یا با غلو همراه بودند. وی گفت:

در این مجلس از فرمایش شیخ خرقان یاد شد. چند روز پیش در مجلسی سخن از حقوق بشر بود، که حقوق بشر چیست و آن‌را چگونه باید تعریف کرد. فرموده شیخ ابوالحسن خرقانی را خواندم:
«هر آن کس که در این سرای درآید نانش دهید و از ایمانش نپرسید. چه آن کس که در پیش خدای به جان آرزد در سرای بوالحسن به نان آرزد.»

این سخن به نظر من عالی‌ترین برداشت از حقوق بشر است. جناب آقای دکتر نصیری بنده را معلم معرفی فرمودید و معلمی ایجاب می‌کند که غلط بگیرم. به من نسبت دادید که در دانشگاه شیراز سیستم ترمی – واحدی ایجاد کرده‌ام و ارتقای اساتید بر مبنای پژوهشی را من جا انداخته‌ام. این درست نیست و مطلب از این قرار است:

من چند سال پیش از انقلاب با روزنامه اطلاعات علمی مصاحبه‌ای داشتم. درباره دانشگاه شیراز و چگونگی به‌وجود آمدن آن سخن گفتم و از نوآوری‌های آن، که بیش از آن در دانشگاه‌های دیگر کسورسابقه نداشت، یاد کردم. گفتم سیستم ترمی – واحدی و مرسوم شدش در ایران توسط دانشگاه شیراز انجام گرفته است. و این‌که ارتقاء مرتبه اعضای هیات علمی بر مبنای پژوهش جدی و اصیل باشد و به ترجمه متون خارجی یا نوشتن مقاله در روزنامه‌ها و مجلات اجتماعی روزمره اکتفا نشود از تأکیده‌ای دانشگاه شیراز است. حرف‌های من از این مقوله‌ها بود و من هم در آن سال‌ها در شیراز بودم و هم‌راه دیگران، نه کم و نه بیش!

بعدها یک شیر پاک خورده مصاحبه من را جور دیگری خواند و همه نوآوری‌های شیراز را به من نسبت داد و روی وب سایت‌ها گذاشت. سال‌هاست سعی می‌کنم این نسبت نادرست را تصحیح کنم و موفق نمی‌شوم. آن ۵۰ مقاله را هم که گفتند من تا سال ۱۳۵۲ نوشته بودم و از آن زمان تا امروز سال‌های زیاد گذشته است.

از بزرگوارانی که در این جمع سخن گفتند و با القاب و عناوین سخاوت‌مندان‌ای از من و کرده‌هایم یاد کردند سپاسگزارم. باید اذعان کنم این عناوین چنان فاخر بودند که یک لحظه شک کردم نکند من واقعا همین که می‌گویند هستم و کم مانده بود به ستیاق عارف بزرگ بسطام، بایزید، اعلام کنم «سبحان ما اعظمشانی» ولی خدا را شکر چنین نکردم.

واقع بینانه‌ترین توصیفی که در این مجلس از من شد توسط آقای دکتر خواجه‌پور بود. مرا یک آدم معمولی معرفی کرد و کارهایی را که کرده‌ام در حد امکان هر آدمی دانست نه زیاد و نه کم. از ایشان سپاسگزارم.

اما در مورد فرمایشات آقای دکتر توفیقی مقدمه‌ای عرض کنم. من از سال ۱۳۳۳ در دانشگاه شیراز و قبل از آن در سال ۱۳۲۹ دانشجوی دانشگاه تهران بوده‌ام. ۶۵ سال با دانشگاه محشور هستم، در داخل و خارج، به‌عنوان دانشجو و استاد و پژوهشگر و مدیر و... فعالیت داشته‌ام. دومین رابطه داستانی تعریف کنم:

در ایام خدمت در شیراز در سفری در انگلستان بودم. می‌بایست سوال‌های امتحانی درس ریاضی فیزیک را که قرار بود دو روز بعد در شیراز انجام گیرد، از طریق تلکس به شیراز بفرستم. آنچه روی کاغذ آوردم به تقربیه به شرح زیر بود:
با استفاده از سری تیلور نشان دهید...، با استفاده از قضیه هلم هولتز فلان بکنید...، فلان تابع را بسط فوریه بدهید، در فضای هیلبرت فلان کنید، ثابت پلانک فلان است و ...

در نگاه دوباره‌ای که در پایان کار به نوشته‌ام انداختم به خودم گفتم من در این سوالات، اسامی تیلور و هلم هولتز و فوریه و پلانک و غیره را برای دانشجویانی می‌فرستم که نام‌هایشان حسن و حسین و رقیه و سکینه است. آیا خواسته و نخواستسته به جوان ایرانی القاء نمی‌کنم که دانش‌های نوین روز در شأن انسان‌های از ما بهتر است و تقی‌ها و تقی‌ها ولیلها و لاله‌ها حد و حق عرض اندام در آن‌ها را ندارند! آرزو کردم روزی برسد که در لابه‌لای مجله‌ها و کتاب‌های علمی نام‌های خودمانی و شرقی هم ببینم. به پژوهش و جستجوگری کشش داشتم. با خودم عهد بستم در گسترش علمی محیط کوچکی که می‌توانستم در آن اثرگذار باشم کوتاه نیایم. از آن زمان تا

به امروز بخش قابل توجهی از سال‌های کاری‌ام را در پیش‌برد تحصیلات تکمیلی صرف کرده‌ام.

ولی داشتن فوق‌لیسانس و دکتری فیزیک در شیراز برایم کافی نبود. یک روز، در سال‌هائی که دکتر معین پور، علوم بود، درد دل کردم که آموزش عالی ما در مقطع لیسانس کم و بیش موفق است و خوب پیش رفته است. ولی در مقاطع فوق‌لیسانس و دکتری نارسائی‌های جدی داریم. گفتم جنگ تحمیلی تازه تمام شده، دانشگاه‌ها، پس از چند سال رکود، درهایشان را دوباره باز کرده‌اند و با انبوه متقاضیان تحصیلات عالی روبرو هستند. تعداد قابل توجهی از اساتید پیش از انقلاب هم کشور را ترک کرده‌اند. در مقابل بدنه سنگین کارمندی و خدماتی دانشگاه‌ها به جای خود باقی است. گفتم مدیران دانشگاه‌ها اگر علامه دهر و نابغه مدیریت هم باشند (که اکثرا چنین هم نبودند!) به زحمت بتوانند از عهده اداره دوره‌های لیسانس، با امکانات مالی نحیف، هیات علمی کم تعداد، کارمند خدماتی پرتعداد و روش مدیریتی متصلب و انعطاف ناپذیر، برآیند. با این اوضاع تحصیلات تکمیلی مغفول می‌ماند. اجازه خواستم جائی داشته باشیم با دانشجوی کم، بدون کهنه کارمند، نه زیاد از تهران دور و نه زیاد به آن نزدیک و به تحصیلات تکمیلی بپردازیم. چون تنها از علوم پایه سر در می‌آوردم، کار را با علوم پایه آغاز کردیم. با تقاضای موافقت شد و دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان به‌وجود آمد.

دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان در تمام سال‌های گذشته از حمایت اکثریت قریب به اتفاق مدیران وزارت علوم و سازمان مدیریت و برنامه ریزی و مدیران استان برخوردار بوده است. و من خداوند را برای این نعمتی که نصیب کرده است سپاسگزارم. در میان این حامیان دو وزیر دولت‌های پنجم و هفتم و هشتم، جنابان آقایان دکتر مصطفی معین و دکتر جعفر توفیقی، شاخص بوده‌اند و سنگ تمام گذاشته‌اند. امیدوارم در سال‌های آینده و دوری که من دیگر نخواهم بود گردانندگان علوم پایه زنجان بزرگواری این دو بزرگوار را به یاد داشته باشند و ارج بگذارند.

از یار و دوست دیرینه‌ام که در این مجلس حضور دارد و سخن گفت، دکتر محمدرضا خواجه‌پور، نام ببرم. علوم پایه زنجان را با هم شروع کرده‌ایم و با هم ساخته‌ایم.

از جناب آقای حسین‌جانی این مرد خرد و فرهنگ و یانوی محترم‌مشان هم سپاسگزار باشم که من کمترین را هم در حلقه دوستان فرهیخته‌شان پذیرفته‌اند و بزرگوارانه کرده‌های کوچکم را بزرگ می‌نمایانند.

پایان بخش جلسه، سخنان آقای حسینجانی میزبان مراسم بود که با این غزل حافظ شروع شد:

«امشب از دولت می دفع ملالی کردیم»

در یک محیط کوچک و صمیمی، مراسمی نه در خور مقام و جایگاه رفیع علمی و پژوهشی دکتر ثبوتی، بلکه مراسمی در شأن افتادگی علمی و مناعت طبع استاد ثبوتی را شاهد بودم و آرزو کردم کاش می‌شد تعدادی از بزرگان و حتی فعالان اجتماعی و اقتصادی استان زنجان در این مراسم بودند و می‌دیدند چطور می‌شود نه با انجام هزینه‌های سنگین، بلکه تنها به صرف چای و عصرانه، کاری بزرگ انجام داد و بخشی از دین خود را به بزرگان شهر ادا کرد!